

بررسی قلمرو تاثیر زمان و مکان در حقوق کیفری ایران

میلاذ میوه یان^۱، فاطمه لژیوسفی^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق گرایش جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه.

^۲ کارشناسی ارشد حقوق گرایش جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی چالوس.

نام نویسنده مسئول:

فاطمه لژیوسفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۸

چکیده

این پژوهش به بررسی قلمرو تاثیر زمان و مکان در حقوق کیفری ایران می پردازد. هر چند نقش زمان و مکان به مفهوم علمی و عرفی آن تاثیر بسزایی در تحقق عینی جرم داشته و در مواردی موجب تشدید مجازات به نص شرع و قانون می شود، منظور ما از زمان و مکان حوادث و تحولاتی است که در بستر زمان و گستره مکان رخ می دهد. بدین سان، همه وقایع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، پیشرفتهای علمی و تخصصی بشر، تغییر ساختار اقتصادی، دگرگونی در ارزشهای اخلاقی، تغییر عرف و عادت، جنگ و بحرانهای ناشی از آن، نوع حکومت و مانند آن در قلمرو بحث ما قرار می گیرد. تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بر اساس منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع اینترنتی معتبر است.

واژگان کلیدی: زمان، مکان، حقوق کیفری، ایران.

مقدمه

رابطه حقوق و جامعه در «تنوری حقوقی اسلام»^۱ از پیچیدگیهای خاصی برخوردار است. در عصر کنونی که آهنگ تغییرات شدت گرفته است، تنظیم و تعیین قواعد و نهادهای حقوقی دائمی کار آسانی نیست؛ همچنانکه فهم درست گزاره «دائمی بودن» و برای «همه زمانها و مکانها بودن» نیازمند آگاهی جامع و ژرف به همه ابعاد و زوایای نظام حقوقی اسلام است. به هر حال، با رحلت رسول اکرم (ص) و قطع رابطه مستقیم وحیانی، مسائل و مشکلات مربوط به نحوه اجرای «شریعت» کم کم پدیدار شد. شرایط و مقتضیات جدید ظهور کرد و با گذشت زمان و تغییر مکان؛ یعنی توسعه جغرافیایی قلمرو اجرای شریعت، چالش حقوق اسلامی به طور اعم، و حقوق کیفری اسلامی به طور اخص، با نیازهای متغیر فردی و اجتماعی مسلمانان چهره جدی تری به خود گرفت. شاید با یک نگاه تاریخی بتوان ادعا کرد که ظهور و توسعه مکاتب مختلف حقوقی در اسلام، نتیجه همین چالشها بوده است. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که چالش فوق، یکی از مسائل بنیادین همه نظامهای حقوقی دنیا به شمار می‌رود، زیرا حقوق از یک طرف نیازمند ثبات، دوام و کلیت است، و از طرف دیگر، زمان، مکان و مقتضیات آنها متغیر و متحول می‌باشد. و درست از همین جا، همه اندیشه‌های حقوقی اصلاحگرانه به نوعی کوشیده اند میان این دو نیاز؛ یعنی نیاز به ثبات و نیاز به تغییر، آشتی ایجاد کنند (Friedmann, 1967). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی در ایران حذف قوانین و مقررات مخالف موازین شرع و جایگزین ساختن احکام اسلامی به ویژه در امور کیفری، در راس اهداف دستگاههای قانون گذاری کشور قرار گرفت مکان در علوم جدید به معنای مختصات یک شیء است. که گاهی به عنوان مختصات جغرافیایی روی کره زمین مشخص می شود و بر اساس طول و عرض جغرافیایی زمین سنجیده می شود. و زمان عبارت است از: مقدار حرکت وضعی و انتقالی زمین که به صورت ساعت جهانی (بین المللی) بر اساس خط نصف النهار گرینویچ سنجیده می شود؛ هر چند هر کشوری می تواند زمان خاص خود داشته باشد. امروزه می دانیم که طبق نظریات جدید فیزیکی انشتین، زمان و مکان دو امر نسبی هستند و زمان و مکان مطلق وجود ندارد. (استفن ویلیام هاوکینگ، ۳۶، ۱۳۷۲). در نظر مردم، زمان همان وقت است که با واحد ساعت و دقیقه و ثانیه اندازه گیری می شود. و این همان مقدار حرکت زمین است که در هر کشور به نوع خاصی زمان بندی می شود و سال و ماه به خصوصی (شمسی - قمری - میلادی. . .) دارند. و مکان عبارت است از موقعیت قرار گرفتن هر چیز در روی زمین و لذا مکان شهرها روستاها را بر اساس تقسیمات طبیعی جغرافیای قاره ها و دریاها قرار می دهند. و در روی نقشه ها جایگاه آنها را مشخص می کنند. (استفن ویلیام هاوکینگ، ۳۶، ۱۳۷۲).

۱- عوامل تشکیل دهنده زمان و مکان

عواملی که در زمان و مکان واقع می شوند و به عنوان "شرایط زمان و مکان" و یا به بیان کلی تر، "زمان و مکان" در فقه مطرح هستند، عبارتند از:

- ۱- عوامل جغرافیایی و مکانی؛ مثل هوای سرد و گرم، مکان پر آب و کم آب و . . .
- ۲- پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک بشر
- ۳- آگاهیهای تخصصی بشر.
- ۴- تغییر نیازهای انسان (مثل: عقد بیمه و . . .)
- ۵- تغییر ساختار اقتصادی جامعه اسلامی و جامعه بین الملل و لزوم قوانین جدید؛ مثل قانون کار، قوانین تجارت بین الملل و . . .
- ۶- دگرگون شدن ارزشهای اخلاقی جامعه انسانی؛ مثل القای بردگی و . . .
- ۷- تغییر عرف و عادات مردم، که گاهی همچون قاعده ای الزام آور مرسوم می شود (البته منظور عادات خلاف شریعت نیست).
- ۸- بنای عقلا، خصوصا در معاملات و عقود جدید که مورد امضای شارع است.
- ۹- ضرورتهایی که در جامعه پیش می آید (قاعده لاضرر و عسر و حرج و . . .)
- ۱۰- مصلحت که پایه اصلی احکام حکومتی است (مصلح عمومی جامعه یا مصلحت حفظ نظام و اسلام).
- ۱۱- نوع حکومتی که بر جامعه حاکم است.
- ۱۲- سیاستمداران حاکم بر جامعه و روابط سیاسی داخلی و خارجی.
- ۱۳- گروههای اجتماعی و مذهبی و روابط آنها با مردم و حکومت و اسلام.
- ۱۴- وضعیت اقتصادی جامعه: فقر عمومی یا رفاه عمومی و یا انباشته شدن ثروت در دست گروهی خاص و . . .
- ۱۵- ابزار تولید (سادگی و پیچیدگی آن، عمومیت آن برای همه یا افراد خاص).

^۱ Islamic Legal Theory

- ۱۶- روابط خاص اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر جهان در هر برهه از زمان.
- ۱۷- پیدایش موضوعات و مسائل مهم که موجب تغییر در موضوعات مهم می شود و احکام آنها را تغییر می دهد. (در اثر تراجم)
- ۱۸- پیشرفت علوم درون حوزوی.
- ۱۹- قدرت فهم و تعقل انسان در هر عصر که دائما در حال رشد است. (امام خمینی، ۱۳۶۷، ۳۴).

۲- عوامل مؤثر در شناخت زمان و مکان

- ۱- آگاهی از اخبار و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مسلمانان و جهان از طریق وسایل ارتباط جمعی و منابع موثق.
 - ۲- شناخت زمامداران مسلمان و آگاهی از مقاصد و اهداف و افکار آنان.
 - ۳- آشنایی با جغرافیا و ریاضی و نجوم و ...
 - ۴- آگاهی از پیشرفتهای علمی جدید جهان در زمینه های صنعتی، پزشکی و ...
 - ۵- شناخت نظامهای اقتصادی رایج در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها.
 - ۶- شناخت اخلاق عمومی جامعه بشری و ارزشهای جدید اخلاقی؛ مثل الغای بردگی - حقوق کودکان.
 - ۷- آگاهی از نیازها و ضرورتها و تنگناهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی از طریق نظر سنجی ها معتبر و ...
 - ۸ - مسافرت: "خارج شدن از حجره ها و منازل و مدارس و پیوند با عینیهای جاری زمان؛ چرا که مسافرت بر بینش فقها و مجتهدان تاثیر بسزایی دارد و بسیار دیده شده که مجتهدانی از شیعه بوده اند که در نتیجه مسافرت، بینش آنها در مقام استنباط احکام تغییر کرده است و نیز مجتهدانی از جامعه اهل سنت از آن جمله "محمد بن ادریس" پیشوای مذهبی شافعی است، که نود نظریه و فتوی او در نتیجه مسافرت از "بغداد" به "مصر" تغییر کرد. و نتیجه آن مذهب جدید او بود". (جناتی، ۱۳۶۲، ۸۷).
- حضرت امام (ره) در این مورد می فرمایند:

"مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی کنم. آشنایی به روش برخورد با حيله ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، ناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شان مجتهد است، واقعا مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. "در جای دیگر می فرمایند: "اگر یک فرد، اعلم در علوم معهود حوزه ها هم باشد ولی نتواند مصلحت را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی، مجتهد نیست و نمی تواند زمام جامعه را بدست گیرد". (امام خمینی ۱۳۶۹، ۹۸).

۳- شیوه های تأثیرگذاری زمان و مکان

الف- احکام حکومتی

اول- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی: صرف نظر از آیات قرآن، روایات معصومین (ع)، و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت، بررسی مقررات اسلامی و تصور ماهیت آن در زمینه های جزایی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی به طور ضروری به تصدیق لزوم تشکیل حکومت اسلامی می انجامد. (سوره مائده، آیه ۳۲ و سوره بقره، آیه ۱۷۸). کسانی که می گویند اسلام به سیاست و حکومت کاری ندارد از الفبای قوانین اسلامی بی اطلاع اند.

دوم- قلمرو اختیارات حکومت اسلامی: در خصوص میزان و قلمرو اختیارات حکومت اسلامی میان صاحب نظران وحدت نظر وجود ندارد (امام خمینی (ره)، کتاب البیع، ج ۲). لکن با توجه به فلسفه تشکیل حکومت در اسلام و جایگاه آن که رکن اصلی دین را تشکیل می دهد، (دهقان، ح، ۱۳۷۶) اختیارات حکومت اسلامی محدود به هیچ قیدی (جز حفظ اساس اسلام و رعایت مصالح مسلمین) نیست. امام خمینی (ره) در این خصوص چنین می فرماید.

«حاکم اسلامی می‌تواند مساجد را در صورت لزوم تعطیل کند ... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند ...» (صحیفه نور، ج ۲۰)

سوم- خصوصیات احکام حکومتی: احکام حکومتی اسلام خواه توسط شارع صادر شده باشد یا به وسیله حاکم اسلامی، از یک سری ویژگیهایی برخوردار است که موجب می‌شود مقررات اسلام در هر شرایطی قابلیت انعطاف داشته باشد.

۱- احکام حکومتی به تناسب حکم و موضوع اختصاص به روابط اجتماعی افراد دارد. علامه طباطبایی می‌نویسد: «هرگونه مقررات جدیدی که در پیشرفت زندگی اجتماعی جامعه مفید باشد و به صلاح اسلام و مسلمین، مربوط به اختیارات والی است و هیچگونه ممنوعیتی در وضع و اجرای آن نیست.»

بر این اساس، احکام حکومتی اصولاً در عبادات راه نداشته و به زندگی خصوصی افراد نیز مربوط نمی‌شود مگر آنکه عبادات یا روابط یاد شده، به گونه‌ای در ارتباط با امور سیاسی- اجتماعی قرار بگیرند مانند نماز جمعه، حج و غیره.

۲- احکام حکومتی در مقایسه با سایر احکام واقعی غالباً جزئی بوده و ناظر به شرایط خاص و مقطعی است. لذا بر همه احکام واقعی دیگر تقدم دارد (وگرنه لغویت آن لازم می‌آید).

۳- احکام حکومتی، در واقع، نوعی اعمال حاکمیت است که به تشخیص مصلحت صادر می‌شود و همه شهروندان (اعم از مسلمان و کافر، مجتهد و مقلد) باید از آن تبعیت کنند حتی اگر از لحاظ نظری با آن موافق نباشند. امام خمینی (ره) در مورد تحریم تنباکو فرمود: چون فرمان مذکور حکم حکومتی بود لذا برای فقیه دیگر هم واجب‌الاتباع بود.

۴- احکام حکومتی حاکم اسلام، بنابر تحقیق، بخشی از احکام اسلام محسوب می‌گردد، زیرا حاکم با اذن شارع و برای رعایت مصالح اسلام و مسلمین به وضع قانون می‌پردازد و شارع هم تبعیت از او را فرمان داده است. (سوره نساء، آیه ۵۹)

۵- از آنجا که احکام حکومتی تابع مصالح و مقتضیات زمان است لذا به اختلاف آن مختلف می‌شود و در این جهت فرقی میان احکام حکومتی معصومین (ع) و فقها نیست.

ب- احکام ثانوی

از آنجا که احکام اسلام از ملاکات (مصلح و مفاسد) واقعیه تبعیت می‌کند لذا در صورت تراحم دو حکم شرعی و عدم امکان اجرای هر دو یا ترک هر دو، به حکم اسلام، که منشأ عقلایی نیز دارد، حکمی که اهمیتش بیشتر یا مفسده‌اش کمتر است تقدم دارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

«إذا اجتمعت حرمتان، طرح الصغرى للكبرى.»

«هر گاه دو امر واجب‌الاحترام جمع شدند باید از کوچکتر به‌خاطر بزرگتر صرف‌نظر کرد.»

باب تراحم که تحت عنوان قاعده اهم و مهم نیز شهرت دارد در ابواب مختلفه فقه دارای کاربرد بوده و منشأ بسیاری از تحولات و دگرگونی‌ها در احکام اسلامی قرار می‌گیرد. بر این اساس، هرگاه شارع ذات موضوع را با وصف عنوانی آن و مصالح و مفاسدی که در آن قرار دارد در نظر بگیرد و حکم را روی آن قرار دهد احکام اولی می‌باشد. اما اگر موضوع را متصف به اوصافی از قبیل: عسر و حرج، ضرر، مشقت، و مانند آن ببیند و حکم را روی عنوان ثانوی موضوع قرار دهد حکم ثانوی نام دارد.

عناوین ثانویه یا عقیده اهم و مهم در حقیقت، حالت تعدیل کننده دارند، هر جا اجرای حکم اولی اسلام مستلزم عسر و حرج، ضرر و مانند آن باشد موقتاً تعطیل شده جای خود را به حکم ثانوی می‌دهد مثلاً سرقت جرم است اما برای مضطر که جاننش در خطر باشد جرم نیست.

برخی درصددند تحول‌پذیری احکام اسلامی را تنها به ملاک احکام ثانوی حل کنند که این درست نیست. زیرا احکام ثانوی در مواردی به‌کار می‌رود که مکلف به پایان خطر رسیده، قادر به اجرای حکم اولی نباشد، لذا اگر سخن این گروه را بپذیریم باید ملتزم شویم که اسلام جز با توسل به عناوین ثانوی قادر به حل مشکلات بشر نخواهد بود!

مقایسه احکام قانونی با احکام حکومتی حاکم اسلامی: عده‌ای بر این عقیده‌اند که احکام حکومتی چیزی جز احکام ثانوی نیست و حاکم اسلامی تنها در موارد عناوین ثانوی می‌تواند عنداللزوم به صدور دستور مخالف احکام اولی اقدام کند. یکی از اساتید ضمن بیان این مطلب می‌افزاید: فرمان تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی از قبیل احکام ثانوی بود (جعفری، م، فصلنامه رهنمون، ج ۱). لکن این از جهاتی قابل تأمل است:

اولاً عناوین ثانوی در مقابل عناوین اولی قرار دارند و هر دو از احکام واقعی الهی به شمار می‌روند لکن هر گاه اجرای حکم اولی ممکن نبود یا متعذر بود به احکام ثانوی عمل می‌شود. در حالی که بسیاری از احکام حکومتی اصولاً توسط حاکم اسلامی و بر مبنای مصلحت صادر

می‌گردند. از این‌رو، فرمان تحریم تنباکو از باب حکم ثانوی نبود بلکه ناشی از اختیارات حاکم اسلامی و فقیه جامع‌الشرایط بود که علی‌رغم حلیت شرعی تنباکو، برای حفظ مصالح مسلمین به تحریم آن فرمان داده شد.

ثانیاً در احکام ثانوی، عناوینی همچون ضرورت، اضطرار، اکراه، عسر و حرج، مشقت، ضرر، و مانند آن مطرح است که مضافاً بر آنکه دامنه‌اش محدود است، اصولاً شخص در مورد آن به ناچار متوسل به حکم ثانوی می‌شود. در حالی که حکم حکومتی مبتنی بر مصلحت بوده که زمینه بسیار گسترده‌تری دارد و هیچ نیازی به اضطرار و ضرورت هم نیست. اصل ۱۱۲ ق.ا.ج.ا. در خصوص تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مؤید این مدعا است. ثالثاً عناوین ثانوی هم در احکام عبادی و هم سیاسی، هم در احکام فردی و هم اجتماعی قابل طرح‌اند، نظیر تیمم در صورت بیماری یا سرقت در حال اضطرار و مانند آن، در حالی که موضوع احکام حکومتی اصولاً اختصاص به امور سیاسی- اجتماعی دارد.

رایباً احکام ثانوی در طول احکام اولی بوده و در رتبه متأخر قرار دارد. در حالی که احکام حکومتی جزو احکام اولیه محسوب شده و بر سایر احکام فرعی تقدم دارد. چنانچه امام خمینی (ره) فرمود:

«... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است ...»

ج- فتاوا و احکام ظاهری

پیش از این در تقسیم‌بندی احکام شرعی بیان داشتیم که منظور ما از قوانین اسلامی، اعم از اولی و ثانوی، واقعی و ظاهری، الهی و حکومتی (خصوصی و عمومی) است، بر این اساس فتاوی فقها نیز به‌عنوان بخشی از احکام ظاهری داخل در قلمرو این بحث هستند. اصولاً زمان و مکان و شرایط و تحولات بر فتاوا و طرز استنباط فقیه نیز تأثیر دارند، فقیهی که دست‌اندرکار مسائل حکومتی بوده و در متن امور سیاسی- اجتماعی باشد فتوای او از صلاح و اتفاق بیشتری برخوردار است تا فقیهی که پیوسته در محدوده مدرسه و کتابخانه و به دور از واقعیات اجتماعی به افتا و اظهارنظر می‌پردازد. علاوه بر این، فقیه باید زمان و شرایط نزول آیات و صدور روایات را کاملاً بشناسد با عرف آن زمان آشنا باشد فتاوی رایج اهل سنت و فقهای مورد حمایت خلفا را بشناسد تا بتواند برداشت صحیح و واقع‌گرایانه از منابع شرعی داشته باشد.

د- ملاکهای احکام

شیعه و اکثریت اهل سنت عقیده دارند که احکام شرعی از ملاکات واقعیه تبعیت می‌کند. با توجه به دلایل مختلفی که در ابواب گوناگون فقه وجود دارد، بیشتر ملاکات احکام برای عقل بشر قابل دستیابی است. به عبارت دیگر، اگر ملاکات احکام خصوصی و عبادی قابل دسترسی نباشد به یقین ملاکات احکام عمومی قابل دسترسی است، و بدون تردید در ملاکات آنها خصوصیات زمان و مکان و غیره تأثیر دارد.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

«لیس بین الحلال و الحرام الا شیئی سیر، یحوله من شیئی الی شیئی فیصیر حلالاً و حراماً.»

«فاصله میان حلال و حرام چیز اندکی بیش نیست که همان چیز را از وضعی به وضع دیگر دگرگون کرده و در نتیجه حلال شرعی

حرام می‌گردد.»

علامه مجلسی در شرح روایت یاد شده اضافه می‌کند:

«ای اختلاف الاحوال و الاوقات و الازمان یوجب تغیر الحکم لتبدل الحکمه.»

«اختلاف حالات و زمانها موجب می‌شود حکم تغییر کند زیرا حکومت آن (ملاک) دگرگون می‌شود.»

علامه حلی در این خصوص چنین می‌فرماید:

«الاحکام منوط بالمصالح و المصالح بتغیر الاوقات و تختلف باختلاف المكلفین فجاز ان یکون المعین مصلحه لقوم و فی زمان

فیؤمر به و کون مفسده لقوم فی زمان آخر فینهی عنه.»

«همه احکام بر پایه مصالح وضع می‌شوند مصالح هم با تغییر زمان تغییر کرده و با اختلاف مکلفین مختلف می‌شوند. لذا امکان دارد

حکم خاصی برای یک ملت و در زمان معین مصلحت داشته باشد و به انجام آن امر شود ولی برای ملت دیگر و در زمان دیگر دارای مفسده باشد و از انجام آن نهی شود.»

عبارت علامه در قالب شکل اول منطقی به صورت زیر نتیجه می‌دهد:

صغری: احکام شرعی تابع مصالح هستند.

کبری: هر مصلحتی با اختلاف زمان و مکلفین مختلف و متبدل می‌شود.

نتیجه: پس احکام شرعی با اختلاف مکلفین و زمانها تغییر می‌کند. البته در کلیت سخن علامه تأمل وجود دارد، زیرا برخی از مصالح جنبه محوریت داشته و اصولاً باثباتند، ولی اجمالاً مؤید مطلبی است که در بالا بیان شده است.

ه- موضوعات احکام

از جمله شیوه‌ها و ابزار تأثیرگذاری زمان و مکان بر قوانین اسلام تأثیر از طریق موضوعات و مصادیق است. اصولاً موضوعات و مصادیق (حسب مورد در قضایای حقیقه و خارجیه) با گذشت زمان تغییر می‌کنند (خواه تغییر ذاتی خواه وصفی) چنانچه گاهی بر مصادیق آن افزوده شده و زمانی از مصادیق آن کاسته می‌شود. در تمام این موارد حکم نیز وجوداً و عدماً، سعه و ضیقاً تغییر خواهد کرد.

و- عرف و بناء عقلاء

عرف در لغت به معنای مستحسن است و در اصطلاح روشی است که میان گروهی از مردم در طول زمان استمرار یافته و به صورت الزام‌آور درآمده باشد.

واژه «عرف» و «معروف» بیش از چهل بار در قرآن بیان شده است. در روایاتی که از ائمه (ع) وارد شده، آن بزرگواران تأکید بر همراهی با عرف می‌کردند و مخالفت با عرف را موجب انگشت‌نما شدن می‌دانستند.

فقها هم در فقه و هم در اصول، در ابواب گوناگون به عرف و بنای عقلاء استناد می‌کنند و در حقیقت، یکی از دلایل استنباط احکام همین استناد به عرف و بنای عقلاء است. علاوه بر این، بسیاری از احکام اسلامی از قبیل امضائات است که مبنای عقلایی و عرفی دارد. پیداست عرف و سره عقلاء در زمان شارع هیچگاه موضوعیت ندارد بلکه در هر زمان عقلاء بماهم عقلاء چیزی را مستحسن بدانند و یا از آن گریزان باشند و منع شرعی در خصوص آن وجود نداشته باشد (البته تصور منع شرعی در مورد سیره عقلاء بماهم عقلاء شاید درست نباشد) شرعاً نیز معتبر خواهد بود.

یادآوری این نکته ضروری است که عرف در صورتی معتبر است که اولاً ناشی از احساسات و عواطف زودگذر نباشد. ثانیاً ناشی از بی‌مبالاتی در امر دین و اخلاق نباشد. ثالثاً ریشه در القانات شیاطین و فرهنگ استعماری نداشته باشد. مرحوم محقق اصفهانی پس از بیان اعتبار بنای عقلاء و اینکه این بنا باید بر مبنای مصالح عمومی باشد می‌افزاید.

«اما ما نینعت عن انفعالات طبیعیه من رقه او حمیه او انفه و غیر ذلک فلا موجب لاشتراک الشارع مع العقلاء.»

«اما اگر بنای عقلاء ناشی از فعل و انفعالات طبیعی و یا غیرارادی از قبیل احساسات، تعصب، یا تحمیلی و مانند آن باشد دلیلی ندارد شارع در چنین مواردی با عقلاء اشتراک مواضع داشته باشد.»

۴- شیوه های تأثیر زمان و مکان بر احکام

شیوه های متعددی تأثیر زمان و مکان بر احکام وجود دارد که عبارتند از:

۱- تأثیر زمان و مکان در تبدیل حکم اولیه به حکم اولیه دیگر:

گاهی زمان و مکان به معنای عام موجب تغییر موضوع به طور کلی می‌شود، یعنی موضوع متبدل می‌شود و به اصطلاح فقهی استحاله می‌شود. در این صورت حکم قبلی موضوع می‌رود و حکم جدید جایگزین آن می‌شود. و به اصطلاح حکم قبلی در این مورد سالبه به انتفای موضوع می‌شود. البته این بدان معنا نیست که حکم قبلی نسخ می‌شود، بلکه به صورت قضیه حقیقیه پابرجاست و هرگاه موضوع آن محقق شد جاری می‌شود؛ مانند استحاله سگ در نمکزار و انتقال خون انسان به حیوان و یا مانند زمانی که عضوی از بدن یک انسان مثل کلیه یا پوست یا... را به بدن انسان زنده پیوند می‌زنند و مواردی دیگر که توضیح آن گذشت.

۲- تأثیر زمان و مکان در تغییر حکم اولیه به حکم ثانوی:

هرگاه شرایط زمانی و مکانی به طوری بر موضوع حکم اثر کند که آن را از آن حالت و طبیعت اولیه خود خارج کند، به طوری که یکی از عناوین و قواعد ثانویه شامل آن شود، حکم اولی رخت بر می‌بندد و حکم ثانوی جانشین آن می‌شود، و این تغییر حکم در اثر تغییر موضوع است، چرا که موضوع شبیه علت برای حکم است. تا قبل از طرح این بحث توسط حضرت امام خمینی (س) تأثیر شرایط خارجی؛ مثل روابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بر موضوع حکم، مطرح نبود و یا کمتر به آن توجه می‌شد، ولی ایشان روی این مطلب تأکید کردند. (امام خمینی، ۱۳۶۷، ۱۸۹)

مثالهایی در این زمینه:

- حرمت نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم و بالعکس و جواز آن برای پزشکان و دانشجویان پزشکی؛ چرا که ضرورت تعلیم علم پزشکی برای جامعه اسلامی اقتضا می‌کند.

- جواز خوردن غذاهای کفار (حتی مثل گوشتی که ذبح شرعی نشده است) در کشورهای غیر مسلمان برای افراد مسلمان در حال اضطرار از باب ضرورت احتیاج بدن انسان به آنها.

۳- تاثیر زمان و مکان در صدور حکم حکومتی:

احکام حکومتی، احکام اجرایی است که توسط رهبر مشروع جامعه اسلامی براساس مصلحت اسلام و جامعه اسلامی و نظام صادر می شود. و قبلا اشاره شد که در مورد سنخ احکام حکومتی سه نظریه وجود دارد. برخی آن را از احکام اولیه، ثانویه و یا سنخ ثالثی از احکام می دانند و همین مطلب موجب شد تا ما آن را به صورت مستقل مطرح کنیم. به هر حال، دخالت زمان و مکان در مصلحت که پایه اصلی حکم حکومتی است، غیر قابل انکار است. البته این تاثیر و دخالت به چند صورت انجام می شود.

- گاهی زمان و مکان موجب تغییر موضوع شده در نتیجه حکم اولیه الزامی می رود و حکم حکومتی می آید.

- گاهی زمان و مکان موجب می شود تا اموری که قبلا مباح بود، ممنوع یا واجب شود.

- گاهی زمان و مکان موجب می شود تا مصلحتهای جدید به وجود آید و احکام اولیه به طور موقت تعطیل شود؛ برای مثال به این

نمونه ها توجه فرمایید:

- حضرت امام خمینی (س) در اوایل انقلاب در مورد مالیات فرمودند: "اگر یک روزی هم - انشاءالله - توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و آن هم کم رقمی نیست . . . این مالیات بسیار هنگفت برای همه چیز است . . . این می تواند اداره بکند. اگر انشاءالله توانستید، توانستیم، همین سیستم اسلامی را که دیگر در مالیات ها هم هیچ احتیاج به اینکه یک چیز دیگری زاید بر آن باشد نداشته باشیم، همین خمس تمام درآمدها، و بسیار عادلانه است . . . که دیگر هیچ احتیاجی به اینکه مردم زاید بر آن چیزی بدهند ندارد." (امام خمینی، ۱۳۵۸)

ولی پس از چند سال و با توجه به شرایط جنگ و هزینه های لازم فرمودند:

"آقا می نویسند: مالیات نباید داد. آخر شما ببینید، بی اطلاعی چقدر؛ آقا امروز . . . چند صد میلیون . . . خرج . . . جنگمان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ را با سهم امام می شود درست کرد!" (امام خمینی، ۱۳۵۸، ۱۸۶)

حکم حکومتی مقدم بر احکام دیگر است، چرا که بدون این تقدیم، حکم حکومتی لغو و بلاموضوع می شود و یا نوعی تراحم است که لازم است اهم بر مهم مقدم شود. پس وقتی مصلحت اسلام اقتضا کند، می تواند احکام دیگر را به طور موقت تعطیل کند و لذا ایشان می فرماید: "آنچه گفته شده است تا کنون و یا گفته می شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است؛ و آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها، با این اختیارات از بین خواهد رفت، صریحا عرض می کنم که، فرضا چنین باشد و این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسایلی است." (امام خمینی، ۱۳۵۸، ۱۷۰)

لذا در نظر حضرت امام اگر مصلحت اسلام اقتضا کند، حاکم می تواند حج را به موقت تعطیل کند و یا مساجد را تعطیل کند و . . .

مثالهای دیگر از احکام حکومتی:

- احکامی که حاکم اسلامی برای ایجاد نظم و جلوگیری از اخلال در نظام اسلامی وضع و ابلاغ می کند؛ مثل مقررات راهنمایی و

رانندگی (چراغ قرمز - جریمه ها - ممنوعیت و جواز عبور و مرور . . .)

- جلوگیری از تصرف در انفال (جنگلها و مراتع و معادن . . .) - مگر تحت شرایط خاص - ولو آنکه آن معدن در زمین شخصی کسی

باشد؛ چرا که مصلحت جامعه اقتضا می کند.

۵- تاثیر زمان و مکان بر توسعه و تضييق احکام

زمان و مکان به معنای عام آن از راههای مختلف، موجب توسعه و تضييق احکام می شود:

- گاهی پیشرفت علوم درون حوزوی و برون حوزوی موجب کشف ملاک و مصلحت حکم می شود و لذا حکم توسعه می یابد.

- گاهی پیدایش مصادیق جدید و موضوعات مستحدثه موجب نوع خاصی از توسعه احکام می شود بدین معنا که فروع فقهی مبسوطتر می گردد.

- گاهی عرف و بنای عقلا موجب می شود که بعضی احکام اسلام محدود شده و یا سالبه به انتفای موضوع شود. برای مثال الغای

بردگی در عرف بین المللی موجب می شود تا بعضی از مراجع حکم جواز خرید و فروش برده را لغو کنند، چرا که جواز آن در شرایط فعلی موجب وهن به اسلام است. (این نوع تضييق در احکام است.)

برای توسعه ملاکات احکام، می توان به موارد تعلق زکات اشاره کرد که بعضی از بزرگان آن را مطرح کردند که: آیا حصر زکات در

مواردی خاص، مثل غلات و انعام، می تواند با توجه به زمان حاضر، موارد دیگری را شامل شود؛ چرا که ظرف زمان و حیات اجتماعی ما با

زمان صدور روایات مغایر است. (محقق داماد، ۸۹-۹۰)

شمار دیگری از علما به تعیین زکات بر اسب که توسط حضرت علی - علیه السلام - صورت گرفت، تمسک می جویند. (جناتی، ۱۳۶۹، ۸۷) البته در مورد قرار دادن زکات بر اسب توسط امیرالمومنین علی (ع)، دو نوع توجیه و تفسیر صورت گرفته است. بعضی آن را یک حکم وجوبی دانسته اند که از جمله اختیارات والی است که حکم زکات را در موضوعات جدید گسترش دهد و بعضی آن را یک حکم مستحب می دانند. (نائینی، ۱۳۲۷)

استاد شهید مطهری در این مورد می فرماید: "اگر در جایی مقتضیات زمان عوض شد، به طوری که برای علم و عقل صد در صد ثابت شد که مصلحت این طور تغییر کرده، [فقیها] می گویند، معنایش این است که زیربنای حکم تغییر کرده است. وقتی زیربنای حکم تغییر کرد، خود اسلام (تغییر حکم را) اجازه می دهد." (مطهری، ۱۳۶۹، ۳۹) این همان تغییر ملاک احکام است، چرا که طبق نظر شیعه، احکام، تابع مصالح و مفاسد واقعیه است و هرگاه آن ملاک و مصلحت تغییر کرد، حکم هم تغییر می کند؛ حال این تغییر حکم ممکن است موجب توسعه یا تضییق احکام شود. و از همین جاست که امام از توسعه و تضییق احکام در ازمنه و امکانه مختلف سخن می گوید. (امام خمینی، ۱۳۶۷، ۴۶).

نتیجه گیری

منظور از تأثیر زمان و مکان این نیست که قوانین اسلام از عرف و یا خواهشهای نفسانی ملتها تبعیت کند یا جای خود را به قوانین عرفی بدهد که نتیجه آن تعطیلی اجرای احکام اسلام باشد بلکه غرض آن است که باید احتیاجات واقعی بشر و انواع تحولات به وجود آمده شناخته شده و قوانین هماهنگ با آن از منابع اسلامی توسط متخصصان امور استخراج و به جامعه عرضه گردد. در فقه وقتی مسئله ی زمان و مکان و تأثیر این دو عنصر در شیوه اجتهاد و استنباط فقیه مطرح می شود، مفهوم لغوی و همچنین معنای فلسفی آن مراد نیست، بلکه مقصود از زمان و مکان طبق فرمایش استاد شهید مطهری «ره» مقتضیات زمان و مکان است؛ البته مقتضیات زمان و مکان نه به معنای اینکه در هر زمان پدیده هایی به وجود آمده است که باید از آن ها تبعیت کرد و پدیده های هر قرن مستلزم آن است که خود را با آن تطبیق دهیم و نه به معنای تقاضای مردم هر زمان و پسند آنان است، که در هر زمان ذوق و سلیقه مردم متفاوت است.

منابع و مراجع

- [۱] احمدی، حبیب‌الله، «پویایی فقه اسلام»، مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۴.
- [۲] ایزدپناه، عباس، «فقه سنتی و فقه پویا»، مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، ج ۵، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۴.
- [۳] آملی، علامه حسن زاده (۱۴۰۷) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، الحلی، (م۷۲۶)
- [۴] آیت‌الله خویی، مبانی تکمله‌المنهاج، ج ۱، ص ۳۳۷، و امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۴۸۱-۴۷۷.
- [۵] آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۷۶.
- [۶] ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی ایران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۵.
- [۷] آیت‌الله نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۶۷ و علامه طباطبایی، بررسیهای اسلامی، ج ۲، ص ۴۳.
- [۸] بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، السنن الكبرى، ج ۶، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.
- [۹] شفیعی سروسستانی، ابراهیم و دیگران، قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیکی ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.
- [۱۰] جناتی، آیت‌الله محمدابراهیم (۱۳۶۹) کیهان اندیشه، در بحث مسافرت، سخنان ایشان را با تصرف در عبارات نقل کردیم ص ۸۷.
- [۱۱] جناتی، آیت‌الله محمدابراهیم (۱۳۶۹) کیهان اندیشه، در بحث مسافرت، سخنان ایشان را با تصرف در عبارات نقل کردیم ص ۸۷.
- [۱۲] جناتی، محمد ابراهیم «ضرورت تحول اجتهاد در عرصه استنباط»، مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۴.
- [۱۳] جوادی آملی، عبدالله، «مباحثی پیرامون تبیین ولایت فقیه»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۳، سال ۱۳۷۶، ص ۱۹۳.
- [۱۴] حمید دهقان، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام (قم: مدین، ۱۳۷۶)، صص ۶۸-۱۹.
- [۱۵] خوئی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۱ ق.
- [۱۶] خمینی (امام)، روح‌الله، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
- [۱۷] سبحانی، جعفر، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، (فارسی)، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، قم، شماره ۴۳.
- [۱۸] سید محمد حسین علامه طباطبایی، بررسیهای اسلامی (قم: هجرت) ج ۲، ص ۲۳.
- [۱۹] سیدحسینی، سیدصادق، «ولایت فقیه و پویایی در استنباط احکام»، مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، ج ۵، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
- [۲۰] رحمانی، محمد، «نمونه‌هایی از احکام حکومتی»، مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، ج ۷، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۴.
- [۲۱] ریسونی، احمد، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ترجمه: سیدحسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- [۲۲] صدر (شهید)، سید محمد باقر، الحاشیه علی المنهاج الصالحین، دائره‌المعارف للمطبوعات، قم، بی‌تا.
- [۲۳] صفاتی، زهره، مقاله نقش زمان و مکان از دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، چاپ مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۴.
- [۲۴] طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۱۲ و المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۹۷.
- [۲۵] فیاض، محمد اسحاق، از شاگردان آیت‌الله العظمی خویی (ره)، مجله النور «شهریه الاسلامیه»، ۱۴۱۴.
- [۲۶] گرامی، محمد علی، (۱۳۷۴) گفتگو با فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۱.
- [۲۷] مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸) اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، انتشارات صدرا، چاپ سی و ششم، قم، ص ۷۵.
- [۲۸] محقق داماد، حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی، رساله الثقلین، السنه الثالثه، العدد التاسع، ص ۸۹.
- [۲۹] مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۴۳، ص: ۱۰۷.
- [۳۰] همو، صحیفه نور، ج ۲۰، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

- [۳۱] صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، ج ۴، بیروت: دارصعب، ۱۴۰۱ ق.
- [۳۲] علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، بیروت: دارالعلم للملایین، بی تا.
- [۳۳] علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، چاپ بیروت، ص ۱۱۰.
- [۳۴] غروی، محسن، «نقش علوم تجربی در اجتهاد»، قم: دبیرخانه کنگره جهانی شیخ انصاری، ۱۳۷۳.
- [۳۵] فنایی، ابوالقاسم، «جایگاه موضوع‌شناسی در اجتهاد»، مجله نقد و نظر، شماره ۵، ۱۳۷۴، ص ۹۵.
- [۳۶] مجتهد شبستری، محمد، «اقتراح»، مجله نقد و نظر، شماره ۱، سال اول، ص ۳۲.
- [۳۷] محقق حلی، شرائع الاسلام، طهران: مؤسسه الاعلمی، بی تا.
- [۳۸] مرعشی شوشتری، سیدمحمد حسن، «پاسخ به نظرخواهی از فقها...»، مجله رهنمون، شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۲.
- [۳۹] همو، «مصاحبه‌ها»، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی قدس سره، ج ۱۴، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
- [۴۰] همو، «ولایت فقیه در قانون اساسی»، مجله دادرسی، شماره ۱۳۷۷، ۱۲، صص ۹-۳۱۶.
- [۴۱] مصباح موسوی، سیدمحمدکاظم، «تحلیل نظریه جان هال پیرامون عصریت کلام و معرفت دینی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۳، صص ۱۶-۱۴.
- [۴۲] مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الاذهان، قم: جماعه المدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۴.
- [۴۳] مکارم شیرازی، ناصر، «مفهوم دقیق تأثیر زمان و مکان در اجتهاد»، مجله مسجد، شماره ۴، صص ۱۰-۹.
- [۴۴] محمد محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۲۳۳.
- [۴۵] محمدتقی جعفری، فصلنامه رهنمون، ج ۱، صص ۸۵-۸۴.
- [۴۶] موسی، ابوالحمد احمد و دیگران، الجرائم و العقوبات فی الشریعه الاسلامیه، [بی جا]، جامعه‌الازهر، ۱۹۷۵ م.
- [۴۷] هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، «فقه و زمان»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۳، ص ۲۴.
- [۴۸] نائینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله یا حکومت از نظر اسلام، ضمیمه، مقدمه و توضیح: سیدمحمد طالقانی، شرکت افست، تهران، ۱۳۵۸.
- [۴۹] نجفی جواهری شیخ محمد حسن، (۱۴۰۵) جواهرالکلام، ج ۴۲، صص ۲۷۰-۲۷۱، المكتبة الاسلامیة، تهران، بی تا.
- [۵۰] نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
- [۵۱] الهندی، علی‌المتقی بن حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ ق.
- [۵۲] الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل‌الشیعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
- [۵۳] الندوی، علی احمد، القواعد الفقهیه، دمشق: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- [۵۴] السیوری، مقداد، تنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- [۵۵] القرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۶۵ م.
- [۵۶] همو، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۴۳.
- [۵۷] مکی العاملی (شهیداول)، محمدبن جمال‌الدین، الروضه البهیة، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ ق.
- [۵۸] عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج پ، ص ۳۱۳.
- [59] Béteille, Laurent (2010), sénateur, Proposition de loi n ° 657 du 9 Juillet 2010 portant réforme de la responsabilité civile présentée.
- [60] Coulson, Noel A, History of Islamic Law, Edinburgh: university press, 1964. 45
- [61] Catala, Pierre (2005), *L'avant-projet de réforme du droit de la responsabilité*, Paris:
- [62] Catala, Pierre (2011), *L'avant-projet de réforme du droit de la responsabilité*, publié par Manuscrit.
- [63] Cuniberti, Gilles (2010), "French Supreme Court rules on punitive damages", Conflict of laws.net.
- [64] Dauoz, 1991, parisnna gHarguer, Jean, Droit penal
- [65] De Woot Philippe (2004), Responsabilité sociale de l'entreprise : faut-il enchaîner Prométhée?, éd. Economica.
- [66] Friedmann, W., Law in a changing society, Stevens and sons, London, second Edition, 1972